

## آذربایجان

آذربایجان به تدریج فاز ذهنی (روشنفکری و روشنگری) را طی و دفعتاً بطور جهشی وارد فاز عینی (مردم از تمام طبقات، لایه ها و نقاط جغرافیایی) گردید.

به عبارت دیگر از نظر تاریخی

1. فاز مقاومت چندین دهه‌ای را پشت سر گذاشت

2. وارد فاز هویت گردید و به سرعت در حال پشت سر گذاشتن آن است

3. و در حال ورود به فاز تعقیب اهداف و آرمانهای ملی و انسانی است

این تقسیم‌بندی بر مبنای وجه غالب است به هیچ وجه نبایستی به معنای تمام شدن قطعی فازهای قبلی تلقی شود. بلکه عناصر شاخصه و نواقص فازهای قبلی باید با قوت و شدت هر چه تمامتر تقویت و کامل گردد.

منظور از این تقسیم بندی درک شرایط جدید است که حرکت ملی آذربایجان از حالت در خود بودن و با خود بودن خارج و به حالت تاثیرگذاری و تاثیرپذیری در رابطه با پیرامون خود وارد شده است

آذربایجان در فاز جدید باید در جهت اتحاد گسترده، سرتاسری، عمیق و هوشمند که دربرگیرنده تمامی طبقات، لایه های اجتماعی و مناطق جغرافیایی خود باشد قرارگیرد. مخالفان و موافقان خود را در عرصه بین‌المللی و داخل ایران مرزبندی نماید.

خط مشی این مرحله واجد ویژگیهای زیر میتواند باشد:

1. اهداف و آرمانهای ملی (منافع ملی) آذربایجان باید بخوبی تبیین شود. فاصله آرمان با اهداف واقعی (واقعیت‌ها) نباید رویایی و دست نیافتنی باشد به جهت آنچه فوقاً اشاره شد. با زندگی مردم آذربایجان بطور ملموسی باید مرتبط باشد. استراتژی میتواند مرحله بندی شود. بطوریکه هر مرحله به اتحاد، هوشمندی، سازمان یافتگی و پیچیدگی بیشتر بیانجامد. تاثیر حرکت در زندگی مردم نمایانده و تبیین شود.

بطور مثال: بعد از حرکت‌های اخیر، حکومت با افزایش شدید بودجه ها و ردیف های اعتباری بودجه در آذربایجان سعی در تاثیرگذاری دارد، که در واقع تاثیر حرکت مردم است نه تصمیم واقعی حکومت...

این قدرت مردم است که تاثیرگذار است و این قدرت باید پایا، پویا، سازمان یافته و هوشمند گردد....

2. مانع اصلی آذربایجان ساختار و سیستم حاکم است و مانع عمده مناسبات بین‌المللی مقوم این ساختار در درون ایران است

با اصالت دادن به بند یک و در نظر گرفتن بند دو

1. آذربایجان باید با شیوه های مدرن، مدنی و مورد قبول جامعه جهانی حرکت کند

2. آذربایجان باید همسو با جریانات دموکراسی خواه و حقوق بشری جهان و منطقه خاورمیانه قرار گیرد

3. در درون ایران با اپوزیسیون دموکراسی خواه و حقوق بشری و ضد استبداد حکومت ارتباط مستحکم برقرار نماید و با پوزیسیون منعطف و دارای گرایش‌های مترقیانه و متمایل به دموکراسی و حقوق بشری و انسانی ضد استبداد در رابطه تاثیرگذاری قرار گیرد. با بقیه چه اپوزیسیون و چه پوزیسیون نمی‌تواند نسبتی داشته باشد.

4. آذربایجان دارای سابقه بسیار مثبت در تاریخ مبارزات رهایی بخش مردم ایران است (انقلاب مشروطه، روشنفکری دینی، روشنفکری چپ، جنبش مسلحانه و ...) میتواند با اتکا به این سابقه در درون ایران بسیار سهل و با قدرت عمل نماید. لاجرم حرکاتی که این هویت تاریخی را مخدوش میسازد باید کنار گذاشته شود. برای جلوگیری از تکرار اشتباهات گذشته باید حرکات مبدا و پایگاه و محورش آذربایجان باشد.

5. با توجه به گستردگی حضور آذربایجانیان در ساختار و سیستم حاکم این امکان است که بتوان با اتخاذ سیاستی این حضور را به پتانسیل مثبت تبدیل نمود. عناصر و نهادهای خودفروش و آذربایجان فروش بایست شناسایی و افشاء و در بین مردم طرد شوند. در عین حال عناصر مثبت با حفظ موقعیت آنها در درون سیستم تقویت شوند. مرزبندی بسیار حساس است که نباید تابع هوی و هوس و کینه ها و نفرت های شخصی و مسلکی و مرامی و ... قرار گیرد که به ضد خود تبدیل خواهد شد. تنها ملاک و معیار در این رابطه منافع ملی آذربایجان باید باشد و لا غیر.

6. متحد طبیعی و مرحله ای آذربایجان در درون ایران حرکتهای مبتنی بر اقوام و گرایشات منطقه ای ایران (کردها، عربها، بلوچها، لرها، گیلکها و ...) است باید توجه ویژه به این مسئله شود و توجه شود که در انقلاب مشروطیت ترکها، لرها و گیلکها تهران را فتح کردند و از آن تاریخ مسئله تحقیر ترک، رشتی و لر در ایران توسط سیستم باز تولید شده استبداد بنشدت اعمال شد.

7. ویژگی عمده حرکت آذربایجان ملی است. رنگ ایدئولوژی خاص ندارد. تمام گرایشات فکری و ایدئولوژیکی باید در خدمت آن قرار گیرد نه بالعکس که در صورت تمایل به ایدئولوژی و گرایش فکری خاص در گیری به درون آذربایجان منتقل خواهد شد (درگیری طبقاتی و غیره ...) باید در نظر گرفت که در ایدئولوژی ها علی الخصوص ایدئولوژیهای نوتالیستی و جهانی (کمونیستی و مذهبی و دینی و ...) ملیت مفهوم ندارد. در عین حال حرکت آذربایجان نه رنگ ضد مذهبی، نه رنگ ضد کمونیستی و نه رنگ ضد هر گرایش فکری به خود گیرد که آنرا از پتانسیل های درونی محروم خواهد کرد و به ضد آن بدل خواهد کرد.

8. آذربایجان باید اوضاع بین المللی و سیاستهای جهانی اعمالی و اعمال شده در ایران و منطقه را باید همواره رصد کند و سیستم حاکم بر کشور را به خوبی تبیین نماید تا از اتخاذ روش ها و شعارهای که باعث اتحاد بیشتر ساختار حاکم و قفل شدن در لابلای سیاستهای جهانی منطقه ای خودداری شود. و ..

9. آذربایجان باید توجه کند که تنها سرمایه آن مردم آذربایجان است. باید از این سرمایه محافظت شده و رشد و توسعه و گسترش یابد. نباید بی خود از این سرمایه خرج شود. نه محافظه کاری (راست روی) شود و نه به باد داده شود (چپ روی) حرکات احساسی، عاطفی، هیجانی و بی هدف هیچ مشکلی را حل نمی کند حرکات آگاهانه، سازمان یافته، مداوم و هدفمند و مستمر مشکل گشاست.

10. طبقه بورژوا و خورده بورژوازی مرفه آذربایجان دارای پیوندهای اقتصادی و اجتماعی عمیقی با تهران و سایر مناطق کشور است و طبقه حقوق بگیر و کارمند (متوسط جدید) نیز کمابیش دارای پیوندهای اجتماعی و اقتصادی سرتاسری است و لشکر بیکاران آذربایجان نیز در مناطق مرکزی کشور و تهران و سایر نقاط صنعتی پراکنده است با توجه به اینکه ساختار حاکم بدلیل ماهیت رانتی-نفتی قواعد بازی اقتصادی و حقوقی را دردست دارد. در صورت نبود خط مشی مناسب از سوی آذربایجان می تواند به نقطه ضعف بزرگ تبدیل شود. چنانکه افزایش شدید بودجه از سوی دولت در این رابطه است. خوشبختانه وضعیت بین المللی ساختار حاکم و شرایط

ضد آزادی و ضد عدالت و ضد انسانی رویه سیستم حاکم طبقات و اقشار فوق را در حال اغما و جستجوی پناهگاه امن قراردادده که باید توجه شود و روش مناسب جذب و سازماندهی برای آنها در نظر گرفته شود.

11. آذربایجان دارای توده ای مذهبی قابل توجه سنتی است که میتواند تحت تاثیر سیستم سنتی حاکم قرار گیرد که باید توجه شود و از روشها و منشها و شعارهای ضد مذهب سنتی پرهیز شود....

12. آذربایجان باید توجه کند که اپوزیسیون و پوزیسیون کشور از شعارهای تجزیه طلبانه تند و نژادی وحشت دارند. حرکات غیر اصولی و منحرفانه می تواند به اتحاد آنها با حکومت مرکزی در برابر آذربایجان منجر شود و یا در برابر سرکوب مردم آذربایجان سکوت کنند.

13. آذربایجان باید توجه کند که فشار زندگی و مسائل اقتصادی بر گرده مردم سنگینی میکند و یکی از انگیزه های عمده آنها در حرکات اخیر نیز بود. نباید به حرکات و شیوه های بدون تبیینی دست بزند که این فشارها باعث شود اولویت معاش و نان و امنیت بر حرکت آذربایجان بچرید.

14. مردم ایران و آذربایجان (بخصوص در حاشیه هایی مثل ارومیه و نرده و ...) بدلیل سوابق تاریخی و ناامنی شدید در عراق و افغانستان و آسیای مرکزی و قفقاز و سیستان و بلوچستان که به عمد از سوی سیستم حاکم بزرگنمایی میشود به شدت به نا امنی حساسند. نباید به حرکات و روشها و شعارهایی که تداعی کننده ناامنی است پرداخته شود.

15. آذربایجان نباید شعار و حرکتی کند که مخالفین خود را متحد و حداکثر کند موافقین خود را پراکنده و منفعل نماید. شعارها باید باعث اتحاد درونی بیشتر و اتحاد با نیروهای همسو و باعث اختلاف مخالفین و ریزش نیروهای آنها شود ...

16. آذربایجان باید حرکات اخیر را جمع بندی و نقاط ضعف و قوت را مشخص و نیروهای فرصت طلب و نفوذی را شناسایی و افشا کند و از ساده اندیشی و ساده سازی مسائل و عدم سازماندهی پرهیز کرده و بر مبنای جمع بندی جدید سازماندهی متناسب انجام دهد.

17. ایران دموکراتیک و حقوق بشری برآورنده خواست آذربایجان نیز است، آذربایجان بدلیل سوابق خود آزادیخواه، عدالت طلب و طالب کرامت انسانی است.

18. آذربایجان باید علل عقب ماندگی و تبعیض و ناعدالتی اعمال شده در آذربایجان را بطور عمیق و گسترده تبیین نماید و علل عقب افتادگی ایران را از قافله جهانی نیز تبیین و توضیح نماید.

## شرایط ایران

آذربایجان باید دقت کند که:

1. استراتژی بین المللی ساختار حاکم در تعارض و تقابل با نظم بین المللی است. تلاش بین المللی (توسط آمریکا و متحدینش) برای ایران در مسئله اتمی برای این است که این حکومت را به پذیرفتن نظم بین المللی وادار سازند و یا این حکومت را با حکومت دلخواه خود تعویض نمایند.

در هر دو حالت تغییرات عمیق و گسترده ای در افق ایران نمایان است. چین و روسیه بدنبال منافع خود در آسیای میانه و بازار بین المللی انرژی که در آینده نقش حیاتی خواهند داشت، و گرفتن سهم بیشتر از تقسیم جدید

جهانی، بر مسئله ایران پافشاری میکنند. در واقع با ورق ایران بازی می کنند. آنچه که در سطح بین المللی می گذرد در واقع تقسیم مجدد جهان بعد از جنگ سرد و یکه تازی آمریکا و فیصله دادن نظم جدید برای جهان است. حکومت ایران با عمده کردن مسئله اتمی در تلاش است که آبرومندانه از این قضیه خارج شود (و نگاه به شرق (چین و شوروی و غیر متعهدها) در این رابطه است) با گرفتن تضمینی امنیتی برای بقاء سیستم حاکم بر کشور، حاضر به هر انعطافی می باشد. اوجب واجبات حفظ نظام حاکم است نه ایران.

برای این پیش بینی میشود در صورت تغییر استراتژی امنیتی نظام برای نبود آلترناتیو حکومت نیروهای بالفعل و بالقوه مخالف خود را در درون به صفر برساند. تحلیل عده ای از اپوزیسیون بر این است که مسئله روزنامه ایران و اهانت به ترکها برای از بین بردن پتانسیل قوی و بالقوه متحد آذربایجان طراحی شد، آنهم بعد از معامله های امنیتی با کشور آذربایجان و ترکیه، چرا که در نبود سازمان و جریانهای مخالف حکومتی قدرتمند در ایران، این آذربایجان است که میتواند با اتحاد ملی خود سرتاسر ایران را تحت تاثیر قرار دهد.

2. سیاست بین المللی آمریکا و متحدینش در حمایت از آذربایجان نمیتواند باشد. ترس آنها از این است که آذربایجان در اتحاد با آذربایجان شوروی و ترکیه با توجه به پتانسیل و دسترسی به منابع انرژی خزرکه تحت سیطره ترکان است به شکل گیری قدرت جدید جهانی منجر شود که هم منافع روسیه و هم منافع چین و هم منافع آمریکا و اروپا را به خطر اندازد ...

3. در داخل ایران، شکاف مردم با حکومت در وسیع ترین و عمیق ترین حالت تاریخی خود قرار دارد. حکومت با اتخاذ سیاست کنترلی و سرکوب نیروهای مخالف خود را در حداقل وضعیت قرار داده است و از طرفی دیگر نیروهای مخالف چه در درون و چه در بیرون از نظر فکری و سازماندهی در وضعیت بسیار ضعیف و متفرق و فاقد ارتباط با مردم قرار دارند و نیروهای منتقد و جناحی درون حکومت نیز تحت فشار بوده و دارای عدم مقبولیت مردمی می باشند. نخبگان ملی و سرتاسری سکوت کرده و زمینه جنبشهای اجتماعی بطور وسیعی آماده گردیده، جنبش زنان، کارگری، دانشجویی، ... ، نبود رهبری باعث شده تا این پتانسیل فعال نگردد و هر از چند گاهی انفجار کوچک رخ دهد. آزادی، عدالت، کرامت انسانی خواست تمامی ایرانیان از تمامی گرایشهای می باشد، آذربایجان این پتانسیل را دارد تا این خلع را پر نماید....

جناح سنتی ( راست سنتی به سردمداری موتلفه) و راست مدرن (هاشمی و کارگزاران) و راست بوروکراتیک و تکنوکراتیک ( مشارکت و ...) و طرفداران سرمایه داری صنعتی (نهضت آزادی و حامیان ملی مذهبی ها و ...) در حال اتحاد بر علیه جناح میلیتاریستی اقتصادی (سپاه و احمدی نژاد و خامنه ای و ...) می باشند و از مسایل پیش آمده سعی در تضعیف آنها دارند. انتخابات خبرگان و شوراها سر آغاز تغییرات وسیعی خواهد شد. ولایت مطلقه فقیه در حال تبدیل شدن به ولایت مطلقه فقه است تا چه پیش آید.

سیاستهای مدیریتی و امنیتی اعمالی بر آذربایجان

ساختار حاکم اگر در قضیه ایران بطور عمدی نیز دست نداشته باشد و اهداف خاصی را از آن دنبال کرده باشد، با ورود وسیع و توده ای مردم آذربایجان غافلگیر شد.

به نظر میرسد در حال خارج شدن از حالت گيجی اولیه در برابر حرکت دفعی و هویت طلبانه آذربایجان در حال پیدا کردن خود و اتخاذ سیاستهای زیر می باشد:

1. محاصره حرکت: ابتدا به محاصره حرکت از نظر خبری، فیزیکی، منطقه ای و محدود کردن آن به آذربایجان پرداخت و تلاش نمود از گسترش آن به مناطق دیگر ترك نشین غیر از آذربایجان مثل تهران و همدان و ... بشدت جلوگیری نمود. (بسیج نیروی عظیم در حد چهار لشکر عملیاتی در تهران) و بدلیل عدم اطمینان به نیروهای محلی در آذربایجان به گسیل گسترده نیرو از کرمان، اصفهان، سبزوار، مشهد، لرستان و ... به آذربایجان پرداخت. نیروهای خود را در آذربایجان مجدداً سازماندهی نمود ...

2. تهاجم به حرکت: حمله به مردم در شهرها و موج گسترده دستگیریها از فعالین برای به هم ریختن سازماندهی، تحمیل هزینه و انفعال بر مردم به نظر میرسد نتیجه بازجویی ها به دستگیریهای دیگر منجر شود.

3. تهاجم تبلیغاتی: فقط در محدوده رسانه آذربایجان برای بدنام کردن حرکت، فعالین و منسوب کردن آن به فتنه خارجی ها و تجزیه طلبی به منظور جدا کردن مردم از حرکت و فعالین مخالف حکومت در سراسر ایران از پیوستن و حمایت از حرکت.

4. تلاش برای نفوذ: تلاش میکند که نیروهای طرفدار خود را در قالب محکوم کردن اهانت و شعارهای رادیکال و تندروانه به درون حرکت آذربایجان نفوذ داده تا هم فعالین و سازماندهی را شناسایی نموده و و هم حرکت را در جهت خواست خود هدایت و کانالیزه نماید (پاشاندن از درون).

براه انداختن حرکت در بعضی نقاط کار اینها بود که باید شناسایی و افشا شوند.

5. ایجاد شك و تردید و تفرقه: در حال سازماندهی و بسیج نیروهای طرفدار خود در درون آذربایجان و فعال کردن آنها هستند تا با شکل دهی کانون نفاق درونی حرکت را با شك و تردید در بین مردم روبرو سازند. در قالب ظاهرالصلاحی چون چه فایده دارد، این تخریبهای در آذربایجان نه در جای دیگر و یا .... با ایجاد نهادهای به ظاهر مردمی و آذربایجان بعنوان حائل بین خود و مردم آذربایجان با عناوین توسعه آذربایجان و غیره ...

6. اعمال سیاستهای تشویقی: به منظور تقویت عوامل خود در درون آذربایجان و منزوی کردن فعالین حرکت ملی آذربایجان نظیر آنچه که مشاهده میشود، ترکی صحبت کردن در تلویزیون، آهنگهای ترکی، نمایش یاد و خاطره ترك زبانانی که در قالب سیاست نظام حرکت کرده اند، تجلیل از آذربایجانیان، دادن بودجه های چند برابر و ...

7. نهایتاً تحمیل دور باطل شورش و سرکوب

آذربایجان باید دقت کند که مرحله جدید، جمع بندی جدید و سازماندهی جدید و خط مشی کامل و همه جانبه نیاز دارد. از ساده اندیشی که مشکل صدساله آذربایجان و ایران بوده است باید پرهیز شود. علت قوت دشمن پیچیدگی آن و علت ضعف میتواند ساده اندیشی مردم باشد.

مخالف اصلی و عمده حرکت آذربایجان، بطور حتم و یقین بدنبال صفر کردن حرکت با کوبیدن مغز و ستون فقرات و یا به عبارتی رهبری و سازماندهی آن است.